

# رژیم اسلامی را از آی ال او بیرون کنید!

پیشنهادی حزب بر روی میز هیات دبیران کنفرانس قرار گرفت. با شروع مجدد جلسه، نمایندگان اعزامی از جمهوری اسلامی که متوجه این قطعنامه شده بودند با سراسیمگی سعی کردند آنها را جمع آوری کنند اما تعداد زیاد قطعنامه ها عملاً مانع ایشان شد. نمایندگان جمهوری اسلامی به هیات رئیسه کنفرانس اعتراض کرد و این موجب به تعویق افتادن برنامه های بعد از ظهر کنفرانس شد. در جریان تظاهرات کادرهای حزب نسان

صفحه ۴

جمهوری اسلامی و شوراها ی اسلامی بعنوان نمایندگان قلابی کارگران ایران از سازمان جهانی کار شد. همزمان در داخل سالن کنفرانس نیز قطعنامه پیشنهادی حزب در حمایت از مطالبات پایه ای کارگران ایران و در محکومیت جمهوری اسلامی در فاصله بین جلسات بر روی میز نمایندگان شرکت کننده از جمله میز هیات اعزامی از ایران قرار داده شد. پوشه ای از اسناد محکومیت جمهوری اسلامی توسط اتحادیه های کارگری نیز همراه با قطعنامه

پیکار قول داد که بحث فقدان حق تشکل در جمهوری اسلامی را در کنفرانس پیگیری کند. در این ملاقات که نزدیک به یک ساعت بطول انجامید، بی حقوقی کارگران ایران به تفصیل مورد بحث قرار گرفت. نداشتن حق تشکل و حق اعتصاب، فقدان حق قرارداد دستمزدی، عدم پرداخت دستمزد ۵۰۰ هزار نفر از کارگران در یکی دو سال گذشته، عدم شمول قانون کار در مورد کارگران کارگاههای کوچک و نیز انتخاب هیات جمهوری اسلامی به عنوان هیات امنای کنفرانس در سال گذشته از جمله نکاتی بود که هیات حزب با مسئولین کنفرانس در میان گذاشت. هیات حزب همچنین خواهان اعزام هیاتی از سازمان جهانی کار همراه با نمایندگانی از اتحادیه های کارگری به ایران و خواهان اخراج نمایندگان

روز سه شنبه ۳۰ مه (۱۰ خرداد ۱۳۷۹) از طرف تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری، در مقابل هشتاد و هشتمین کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار، آی ال او، در ژنو تظاهرات قدرتمندی برگزار گردید. این تظاهرات در اعتراض به حضور نمایندگان جمهوری اسلامی و پذیرش شوراها ی اسلامی بعنوان نمایندگان کارگران ایران در کنفرانس صورت گرفت. باندرولهای متعددی به زبانهای مختلف انگلیسی، آلمانی و فرانسوی در محکومیت جمهوری اسلامی، علیه بی حقوقی و سرکوب خواستهای کارگران ایران اطراف محل کنفرانس را پوشانده بود و طنین شعارهای تظاهرات کنندگان در تمام طول روز در سالن کنفرانس شنیده میشد.

در هفته های قبل از این تظاهرات، اتحادیه های کارگری در جریان این اعتراض قرار گرفته و برخی از آنها قطعنامه هایی در دفاع از خواست نمایندگان جمهوری اسلامی از کنفرانس جهانی کار صادر کرده بودند. در جریان تظاهرات نیز اقدامات همه جانبه ای صورت گرفت.

هنگام ورود نمایندگان سازمانهای کارگری که از کشورهای مختلف در این کنفرانس شرکت داشتند، پوشه ای از اطلاعاتی ها و اسناد مربوط به بی حقوقی کارگران ایران، سیاستهای سرکوبگرانه و ضدکارگری جمهوری اسلامی و نیز قطعنامه ای در حمایت از کارگران ایران که به زبانهای مختلف ترجمه شده بود، در میان آنها توزیع گردید. با شروع کنفرانس هیاتی از طرف تشکیلات خارج کشور حزب با مسئول بخش داخلی آی ال او ملاقات کرد. در این ملاقات نمایندگان حزب سیاستهای مماشات جویانه آی ال او در برابر جمهوری اسلامی را مورد اعتراض قرار دادند و خواهان ملاقات با رده بالاتری از مسئولین سازمان جهانی کار شدند. این بار ملاقات با لوک پیکارد مشاور بخش حقوقی آی ال او که معاونت دبیر کل آی ال او را نیز دارد و مسئول داخلی آی ال او بعمل آمد. آقای

## انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: منصور حکمت

www.haftegi.com



۱۳ خرداد ۱۳۷۹

۲ ژوئن ۲۰۰۰

جمعه ها منتشر میشود

دوم خردادی ها همان  
۳۰ خردادی ها هستند  
و اکثریت هم همان ...

صفحه ۴

به  
انترناسیونال  
هفتگی  
کمک مالی  
کنید

انترناسیونال  
هفتگی را در  
ایران و خارج  
تکثیر و پخش  
کنید

### جناحهای حکومت پس از تشکیل مجلس

گفتگوی رادیو انترناسیونال با

منصور حکمت

صفحه ۲

### "ما دوم خردادی ها همان سوم خردادی های سابق هستیم"

محسن ابراهیمی



تلاشهایی در کار است تا چنین وانمود کنند که سوم خرداد در مقابل دوم خرداد فرار دارد. .. این تفکر تلاش میکند که نشان بدهد عده ای دوم خردادی هستند و عده ای هم سوم خردادی ... ما دوم خردادیهها، همان سوم خردادیههای سابق هستیم."

نیست که شخصیتهای دوم خرداد جزو سهامداران اصلی همه مقاطع و همه جنایتهای نظام اسلامی بوده اند؛ که خاتمی و نبوی و رفسنجانی در براه انداختن و ادامه تراژدی انسانی جنگ هشت ساله نقش مشترک داشته اند. اینها حقایق غیر قابل انکار تاریخ جمهوری اسلامی است.

چرا دوم خردادیهها بعد از این همه تلاش برای اعلام تمایز با جناح راست و اعلام کردن خود به عنوان نمایندگان یک حکومت اسلامی متفاوت، اینچنین دست و پاچه میشوند که نکند اگر دبیر بجنیند جناح راست و رفسنجانی "حماسه سوم خرداد" را "ملاخور" کنند. این عجله و اشتیاق برای سهم خواهی از "حماسه سوم خرداد" برای چیست؟

این سخنان را بهزاد نبوی عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، نماینده مجلس ششم اسلامی، یکی از گلهای سرسبد جناح دوم خرداد حکومت اسلامی، در "همایش حماسه سازان دوم خرداد" اظهار کرده است. نبوی این سخنان را در مقابل تلاشهای جناح مقابل و مشخصاً تور سیاسی رفسنجانی برای علم کردن "حماسه سوم خرداد" (روز فتح خرمشهر) در مقابل دوم خرداد، به عنوان یکی از مقاطع سیاسی مهم نظام و اعلام خودش به عنوان قهرمان آن مقطع اظهار کرده است.

این سخن فقط یک اعتراف اتفاقی به یک حقیقت ساده نیست. صرفاً اعتراف به این

این اولین بار نیست که دوم خردادیهها از یکطرف اعلام میکنند تمییز دیگری از حکومت اسلامی دارند و از طرف دیگر به مقدسات همین حکومت اسلامی وفاداری میکنند. دوم خردادیهها همیشه با یکدست به مردم دست تکان داده اند و با دست دیگر قران بلند کرده اند و به سر نظام اسلامی، قانون اساسی اسلامی، ولایت فقیه و حاکمیت شرع و امام خمینی سوگند خورده اند.

صفحه ۴

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

# جناح‌های حکومت پس از تشکیل مجلس

## گفتگوی رادیو انترناسیونال با

### منصور حکمت

### ۱۱ خرداد ۱۳۷۹



**رادیو انترناسیونال:** شما در مقاله طوفان در راه است به این اشاره کرده اید که تشکیل مجلس اسلامی ششم دور جدید و بسیار پر تلاطم تری در کشمکش جناح‌های حکومت را آغاز میکند. در حالی که تصور عمومی این است که با تشکیل مجلس قرار است اوضاع خوب و خوش و آرام پیش برود. چرا به نظر شما اوضاع کشور بعد از این مساله پر تلاطم تر و کشمکش جناح‌ها شدید تر میشود؟

**منصور حکمت:** نمایانم چرا میگوئید تصور عمومی این است. به نظر من تصور عمومی ابداء این نیست. انتظار همه این است که با افتادن مجلس به دست دوم خردادها، حال اینها لویایحی بگذرانند، شورای نگهبان مخالفت کند، رهبر در منگنه قرار بگیرد، قوه قضائیه بهانه بگیرد و این و آن را دستگیر کند. فکر نمی‌کنم کسی تصورش این باشد که با تشکیل مجلس اسلامی اکنون یک دوره صلح و صفا شروع میشود. کاملاً برعکس، از قیافه همه شان پیدا است که دارند خودشان را برای یک دوره دیگر کشمکش حاضر میکنند. و آن هم در سطح جدیدی، چون این بار مجلس دست یک اردوی دیگری افتاده.

**رادیو انترناسیونال:** بیشتر از این نظر میگویم که رسانه‌ها دارند این تصویر را میدهند که بالاخره دوم خرداد در این پروسه توانست بر جناح راست پیروز شود و حالا که دولت و مجلس هم دست دوم خرداد است میتوانند اصلاحات را به پیش ببرند.

**منصور حکمت:** واقعیت قضیه اینطور نیست. دوم خرداد و جناح راست نیروهایی واقعی در حکومت هستند. این تقابل واقعی است. هیچ کدام بسادگی به دیگری تسلیم نمیشود. هیچیک اعلام شکست نکرده، نه راست اعلام شکست کرده و نه دوم خردادی‌ها از وجناتشان بر میآید که فکر می‌کنند قطعاً پیروز شده‌اند. واضح است که خط جبهه جنگ جناح‌ها عوض شده است، ولی جدال سر جایش هست. دوره‌ای که دوم خردادی‌ها

راست برقرار کند و بخصوص جلوی تعرض دوم خردادی‌ها را سد کند، کاندید مجلس شد، واضح بود که دوم خردادها به تکاپو می‌افتند تا مانع این طرح بشوند. فکر میکنم دوم خردادی‌ها ابتدا توافق کرده بودند که رفسنجانی را از صندوق در بیاورند، ولی سی‌ام کردن او بخشی از تلاش بعدی آنها بود که نگذارند مشروعیت سیاسی رئیس شدن در مجلس را داشته باشد. خودشان گاویندی کرده بودند. اگر میخواستند میتوانستند از ابتدا پانزدهم اعلامش کنند. ولی اسمش را رفسنجانی ام (آنهم با گذاشتن یک علامت سوال بالای آن) درآوردند برای اینکه نتواند رئیس مجلس بشود. و وقتی اینطور شد دیگر کارهای بعدی شورای نگهبان افتادن در تله دوم خردادها بود (اینکه رفتند و با هزار بدبختی طرف را بیستم اعلام کردند بیشتر توجه مردم را به این مساله جلب کرد و مایه دردسرشان شد تا اینکه واقعا کمکی به رفسنجانی یا راست بکنند). رفسنجانی ممکن است شخصا فکر کرده باشد که حوصله کشمکش بعدی سر اعتبارنامه و غیره در مجلس و شنیدن شعار مرگ بر اکبرشاه در خیابان را ندارد، ولی در مجموع کاتال ریاست رفسنجانی یک درجه در مجلس بر دوم خردادها کنترل بیشتری داشته باشند، توسط دوم خردادها خنثی شد.

**رادیو انترناسیونال:** مساله این است که این پروسه به کجا میخورد بیانجامد؟ شما در مقاله تان اشاره کرده اید که ایران تنها کشوری است که دولتش، قوه مجریه اش، خود ایدئولوژیست میگوید! حالا اشاره کردید که قوه مقننه هم به اپوزیسیون پیوسته! مردم بالاخره الان که مجلس دست اینها افتاده منتظر نتایج هستند.

**منصور حکمت:** بنظر من دوم خردادها میخوانند پلکانی پیشروی کنند، راستها هم میخوانند قدم به قدم مقاومت کنند. تا شاید بتوانند فرمول جدیدی پیدا کنند. منتهی پلکان هم بالاخره به یک جایی ختم میشود. اینطور نیست که با پلکان میتوان تا عرش اعلا رفت. در نتیجه آخر این پلکان معلوم است. بنظر من این مانورها دیگر جایی تمام میشود، همزمان با این مانورها و کشمکشهای دو جناح، مردم مدام دارند بیدارتر و متشکل تر و پر تحرک تر میشوند. در نتیجه توازن قوا، و فشار مردم از بیرون و جدال دو جناح در حکومت بالاخره به جایی میرسد که جدال دو جناح دیگر فرعی میشود و نبرد مردم با کل حکومت داستان اصلی ایران میشود. که الان داریم به آن مقطع نزدیک میشویم. در

**رادیو انترناسیونال:** فکر میکنید انتخاب کروی به جناح دوم خرداد تحمیل شده؟

**منصور حکمت:** من فکر نمیکنم به جناح دوم خرداد بطور کلی تحمیل شده باشد. چون دوم خرداد هم یک حزب منسجم نیست، یک طیف است. اینها قانون بازی شان این است از آنجا که نه دوم خرداد نه راست، نمیخواهد دیگری را حذف کند، از آنجا که هر کدام فهمیده اند حذف ناگهانی دیگری معنی اش انقلاب مردم است، کش دادن این پروسه بدرد هر دو شان میخورد. در نتیجه به نظر من دوم خردادها اگر میخواستند در این مقطع یک قدم دیگر به جلو بردارند ممکن بود فضا متشنج بشود و این تشنج را دوست ندارند. اینها دخالت مردم را دوست ندارند. میخوانند یک پیشروی

آنها درآورده اند و حتماً از آن استفاده میکنند. در این شک نیست که طرف مقابل سعی میکند مانع از این بشود که دوم خردادها به شکلی که میخوانند از مجلس اسلامی برای قانون گذارندن استفاده کنند. ولی دخالت حقوقی شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت و خامنه‌ای در این روند حدی دارد و در نتیجه راستها بنظر من در محافل خودشان بی تاب میشوند. هیچکدام، نه راستها و نه دوم خردادها جریانات یکپارچه حزبی نیستند، مجموعه‌ای از محافل و شبکه‌ها هستند، در نتیجه امکان این هست که بخشهایی از جناح راست مایوس بشوند و روشهای افراطی تر و ماجراجویانه تری در پیش بگیرند. یا کل راست فکر کند که بیشتر از این نمیتواند عقب نشینی کند و باید ضربه‌ای بزند. و در نتیجه ممکن است دوم خردادها با عکس العمل بیرون پارلمانی و غیر حقوقی راست مواجه شوند.

**رادیو انترناسیونال:** آیا بنظر شما کناره‌گیری رفسنجانی بخشی از این استیصال راست بود یا یک تصمیم شخصی؟

**منصور حکمت:** بنظر من دوم خردادها در واقع با کانالیزه کردن نیروی مردم که از کل حکومت بیزار هستند نگذاشتند رفسنجانی در درجه اول بتواند رئیس مجلس بشود. و وقتی ریاست مجلس منتفی شد، آمدن رفسنجانی در مجلس بعنوان یک نماینده ساده و نشستن ته سالن برای خود رفسنجانی و کل جناح راست دیگر آنقدر موضوعیت نداشت. در نتیجه از روزی که رفسنجانی با این طرح که بعنوان رئیس مجلس سعی کند توازنی بین دو خردادها و جناح

## مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

ماجرای بعد از برلین دیدیم که چطور دو جناح حمله شان را به مردم و کمونیسم و حزب کمونیست کارگری شدت دادند. همانطور که گفتید قوه مقننه بعلاوه مجریه بعلاوه زندانها بعلاوه بانک مرکزی بعلاوه کسانی که بودجه کشور را کنترل و خرج میکنند را نمیتوان اپوزیسیون نام گذاشت. اینها اپوزیسیون نیستند. دوم خرداد بخشی از حکومت است و دفاع از دوم خرداد دفاع از حکومت است، همانطور که راستها هم بخشی از حکومت اند و دفاع از آنها دفاع از حکومت است. در نتیجه داریم راجع به دو جناح حکومت حرف میزنیم که با توجه به فشار اساسی مردم علیه کلیت شان، تلاش میکنند بیشتر به عمر خودشان اضافه کنند به این امید که شاید بعدا فرجی حاصل شود. بنظر من دوم خردادی ها هم میدانند که اگر بنا باشد سپاه پاسداران خلع سلاح شود، و اگر بنا باشد محاکمات جنایتکاران این بیست سال شروع شود، چیزی از خود اینها هم باقی نماند. اینها هیچ منفعتی در این ندارند که سران جمهوری اسلامی پای میز محاکمه بیایند یا اختناق برداشته شود یا آزادی احزاب و تشکیلات و مطبوعات برقرار بشود. وگرنه همین الان اینهمه آدم در زندانها بجرم دفاع از خود اینها دستگیر شده اند، چرا یکی دهانش را باز نمیکند، چرا فی الملل خود رئیس جمهور اسلامی نمیگوید که با زندانی شدن اینها مخالف است. همین. کافی است خاتمی بگوید با زندانی شدن کسانی که در کنفرانس برلین شرکت کردند مخالف است تا قوه قضائیه نتواند بیشتر از این نگاهشان دارد. عملا تناسب قوا اینطور هست. ولی اینها هیچ نفعی در این ندارند که قوه قضائیه را بر سر این مسائل تحت فشار بگذارند چون بحث آزادی زندانیان سیاسی سر زبان مردم می افتد و غیره. در نتیجه ما با تلاشی از طرف دولت، حکومت، برای کند کردن این روند روبرویم. ولی بالاخره روند کند هم باید به ایستگاه بعدی برسد. این ایستگاه بعدی بطور جبری مبارزه وسیع و علنی مردم علیه کل اینها خواهد بود.

**راديو انترناسیونال:** ولی بخشی از مردم و بعضی از احزاب و جریاناتی که به خودشان اپوزیسیون میگویند دارند از دوم خرداد دفاع میکنند چون فکر میکنند که این راحت ترین راه رسیدن به

آن اصلاحاتی است که مردم میخواهند. این مثلا کم دردترین یا کم خشونت بار ترین راه است. بنظر شما آیا واقعا این راهی که اینها فکر میکنند به آن نتیجه میرسد؟

**منظور حکمت:** بنظر من بحث روش نیست، بحث راه نیست، دو جای مختلف میخواهیم برویم. مردم میخواهند به جایی بروند و دوم خردادی های درون و بیرون حکومت میخواهند به جای دیگری بروند. اینطور نیست که این کم مشقت ترین راه برای رسیدن به همان مقصدی است که همه مان میخواهیم. اینطور نیست، به مقصدهای مختلفی میخواهیم برسیم. این راهی است که قرار است این جماعات را به مقصد خودشان برساند. راهی که ما و مردم را قرار است به مقصد برساند چیز دیگری است. این احزاب و گروههایی که طرفدار دوم خردادند از سقوط جمهوری اسلامی بیشتر نگران و ناخوشنوندند تا از بقاء آن. امیدوارند بتواند اصلاح بشود بدون اینکه تلاطم بشود، بتواند اصلاح شود بدون اینکه اوضاع دست مردم بیفتد، بتواند اصلاح و تعدیل بشود بدون اینکه خواستهای رادیکال مردم متحقق بشود، بدون اینکه زنان واقعا بتوانند صد درصد موقعیت اجتماعی برابر را پیدا کنند. چون خود اینها بخش عقب مانده جامعه اند، متحجرتند. اینطور نیست که دوم خردادها یک نیروی پیشرو در جامعه هستند و مثلا اگر تمام اختیارات در دست دوم خردادها باشد ایران شبیه فرانسه میشود. اینها مذهبیونی هستند که دوست ندارند مردم زیادی تحریک بشوند. میخواهند اسلام را اندکی پشت پرده ببرند، میخواهند یک درجه گشایش ایجاد کنند بین "خودی" هایشان. میخواهند عده بیشتری را بیاورند داخل خودیها (برای مثال نهضت آزادی و غیره را). ولی مثلا به سازمان های زنان در کشور هیچوقت قرار نیست آزادی فعالیت بدهند، به حزب کمونیست کارگری قرار نیست آزادی فعالیت بدهند، قرار نیست در کردستان به آرای مردم مراجعه کنند، قرار نیست به اتحادیه های کارگری آزادی فعالیت بدهند. الان قوه مقننه و مجریه دست خودشان است، چرا همین فردا این کارها را نمیکند؟ دفاع از دوم خرداد دفاع از یک روش متفاوت برای همان هدف

مشترک نیست. بلکه جستجوی یک هدف متفاوت است. و ما بعنوان یک حزب سیاسی در مقابل اینها هستیم. فکر میکنم اکثریت عظیم مردم ممکن است به خاتمی بعنوان ابزاری برای اینکه جمهوری اسلامی تضعیف بشود، سست تر بشود و بشود بر آن پیروز شد نگاه کنند، ولی در این شک ندارم که اکثریت عظیم مردم به یک دنیای بعد از جمهوری اسلامی دارند فکر میکنند. در صورتیکه دوم خردادها بیرون حکومت به نشستن سر سفره جمهوری اسلامی دارند فکر میکنند. میخواهند سفره پهن تر پهن شود اینها هم سرش بنشینند. حالا اکثریت و حزب توده و نهضت آزادی و مجاهدین انقلاب اسلامی غیره هم شریک حکومت شده اند، که البته قبلا هم همه شان شریک حکومت بوده اند، میخواهند اوضاع را به دوره قبل از برگشتن خمینی از قم و دوره صدارت مهدی بازرگان، وقتی جنبش اسلامی خودش را وسیعتر تعریف میکرد، وقتی نهضت آزادی نه فقط در مجلس بلکه در دولت بود، وقتی که همین ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه بود، یک آدم مکلا نخست وزیر بود. میخواهند به آن اوضاع برش گردانند. درک نمیکند که دنیا عوض شده و مردم قرار نیست به دوره مهدی بازرگان برگردند. مردم اصلا رژیم اسلامی نمیخواهند.

**راديو انترناسیونال:** برمیگردم به همین مقاله طوفان در راه است در انترناسیونال هفتگی. آنجا شما گفته اید که در دوره آتی جدال جناحها، جناح راست میروند تعریف جدیدی از خودش بدهد و یک آرایش جدید بخودش بدهد منظورتان از این چیست؟

**منظور حکمت:** بنظر من چند چیز تغییر کرده اولاً خامنه ای موقعیتش اندکی تغییر کرده. خامنه ای متوجه شده که قضیه "دو بال" دارد و هرچند که سمیاتی اش بیشتر به آن بال سنت گرا و محافظه کار و راست حکومت است، متوجه شده که حذف دوم خردادها و قلع و قمع علنی و وسیع آنها میتواند نتایج وخیمی برای کل حکومت داشته باشد، چون مردم دیگر بدون توهم به هیچ بخش حکومت و بدون هیچ انتظاری از هیچ گوشه حکومت میریزند روی سر همه شان و له و لورده شان میکنند. در نتیجه خامنه ای به درجه ای دارد

موضع محتاطانه تری میگیرد و موضعش را به روشی که احتمالا خمینی در سالهای اول حکومت اسلامی داشت، شبیه تر میکند. یعنی سعی میکند جناحها را با هم به سازش بکشاند، راه حلهای مشترکی از بین شان پیدا کند، سعی کند سکوت را رعایت کنند، سعی کند تشنج نکنند، با علم به اینکه خودش طرفدار این است که محافظه کاری و قشری گری اسلامی دست بالا داشته باشد. دوم اینکه بخشهایی از راستها و همین تروریست هایی که شبها میروند سر میبرند و آدم میکشند جناحی از خود حکومت اند، سرانشان در مجلس اند، در ارگانهای مختلف حکومتی اند، به رهبر بند هستند. ولی اکنون یک عده شان حوصله شان سر میروند. زیرا پیشروی قدم به قدم دوم خردادها در محافل آدمکشهای تروریست جنبش اسلامی باعث نگرانی و خشم زیادی میشود. من فکر میکنم محافظی از جناح راست خرج خودشان را از بستر اصلی راست سنتی جدا میکنند و تصمیم به اقدامات افراطی میگیرند. که خود این امر نتیجتا خامنه ای و پیکره اصلی راست در مجلس و در شالوده حکومتی را در آمپاس قرار میدهد که با این جناحهای افراطی اسلامی که قصد ترور و ارباب جناح دوم خرداد را خواهند داشت، چکار کند. اینها باعث میشود که در درون راست کشمشک بالا بگیرد. بنظر من راست از درون دچار تغییر شکل میشود. جهت عمومی اش این است. در حالیکه بستر اصلی راست تاکنونی به سمت تلاش برای کنترل دوم خرداد گام برمیدارد، با این امید که در ماههای آتی درجه ای همزیستی با آن پیدا کند، بخشهایی از راست مسلح مخفی تروریست پیدا میشوند که سعی میکنند کاسه و کوزه اینها را بهم بریزند و حتی جلوی چنین توافقاتی را بگیرند و رهبران راست و خود خامنه ای را هم در مقابل عمل انجام شده قرار بدهند. در نتیجه در خود راست یک دعوا است که باید دید نتیجه اش چه میشود. این نهایتا پروسه اضمحلال راست است.

**راديو انترناسیونال:** بعنوان سوال آخر میخواستم بدانم با این حساب که شما میگوئید خامنه ای هم فهمیده که دو جناح دو بال رژیمند و به هر دو تایشان نیاز است آیا هیچوقت به پای کودتای نظامی

نمیروند؟

**منصور حکمت:** بنظر من چرا. کودتای نظامی هیچوقت منفی نیست. زیرا وقتی به مرگ بگیرندشان این کاری است که خواهند کرد. یعنی بالاخره یک روزی امکان دارد بلبشو اینقدر وسیع باشد و کنترل اوضاع چنان از دست رفته باشد که تنها امیدشان این باشد که سپاه پاسداران با "تائید رهبر" به خیابان بیاید و مخالفان خودی و غیر خودی را بگیرد. منتهی مشکل کودتا در حکومت اسلامی این است که با کودتا خودشان دارند به مردم میگویند که جنگ شروع شد و قانون از این بیعد قانون جنگ است. مردم آنوقت ضد کودتا خواهد کرد و دیگر برنمیگردند یک تکه از حکومت پیشین را به قدرت برسانند. اگر راست کودتا کند تا دوم خرداد را از صحنه بیرون بیاورد مردم ضد کودتا میکنند و راست را شکست میدهند، منتهی این ضد کودتا دوم خرداد را سر کار نمیآورد. یک نیروی کاملا بیرون از حکومت را بقدرت میرساند. یعنی پروسه ضد کودتا علیه کودتای راست میتواند چاشنی انقلاب آتی ایران باشد، چاشنی یک انقلاب مردمی باشد. در نتیجه راست خیلی باید پشتش به دیوار باشد که با همه این اوصاف کودتا را تنها راه مقابل خود ببیند. کودتا منفی نیست ولی بنظر من تمام تلاششان این است که نکنند. دو دفعه اینها رجز خواندند که کودتا میکنیم هر دو دفعه دوم خردادها بخصوص مجاهدین انقلاب اسلامی به آنها گفتند این کارهای احمقانه را بگذارید کنار به ضرر همه مان تمام میشود. بنظر من کودتا یکی از مراحل آخر در روند سرنوشتی جمهوری اسلامی است. یادتان هست که وقتی که محافظه کاران ارتش شوروی علیه گورباچف کودتا کردند و او را دو روز در ویلانی نگه داشتند، کودتایشان خشنی شد ولی گورباچف نماند. گورباچف رفت و یلتسین آمد. اینجا هم همینطور میشود. مردم ضد کودتا میکنند، بطور قطع ضد کودتای مردم پیروز میشود و بسرعت هم پیروز میشود و بعد دیگر جناح راست و جناح دوم خرداد هر دو از میدان بدر میشوند و نیروهای دیگری سر کار میآیند.

## دوم خردادی ها همان ۳۰ خردادی ها هستند ... و اکثریت هم همان ...

ایرج فرزاد

«کنگره سیاست و برنامه سازمان در راه شکوفائی جمهوری اسلامی را به جهت تقابل آن با دموکراسی، پیشرفت و تجدد، بزرگترین خطای سیاسی سازمان ارزیابی میکند. این سیاست و برنامه، محصول بینشی بود که جهان را به دو جبهه تقسیم میکرد و با توجه به ضد امپریالیسم ارتجاعی رژیم خمینی، که آن زمان این گونه تصور نمی شد، ادامه حیات آن را به سود مردم ایران، به سود یک جبهه و به طور مشخص اردوگاه سوسیالیسم ارزیابی میکرد. در تدوین این مشی، به منافع و نیازهای عاجل مردم ایران توجه نشد. بی اعتنائی به دموکراسی و عدم شناخت دستگاه روحانیت از جمله عوامل موثر در شکل گیری این سیاست و برنامه بودند.

سیاست شکوفاسازی جمهوری اسلامی به سود رژیم و ضد منافع ملت ایران بود. این مشی ضربات بسیار سنگینی به اعتبار جنبش فدائی، جنبش دموکراتیک مردم ایران، به ویژه خلق کرد و ترکمن، وارد ساخت و موجب اتخاذ سیاستهای ستیزه جویانه و خصمانه نسبت به دیگر نیروها و فعالان جنبش گشت.

کنگره این سیاست را محکوم میکند و مسئولیت اصلی آن را متوجه رهبری وقت سازمان میداند»

اینها جملاتی به نقل از قطعهنامه «بررسی اجمالی خطاهای سازمان در دهه اخیر» مصوب کنگره اول سازمان اکثریت هستند که در فاصله روزهای ۱۳ تا ۲۳ مرداد سال ۶۹ برگزار گردید. تقریباً ۱۰ سال طول کشید که اینها به «خطای بزرگ سیاسی» خود پی بردند، پی بردند که در طول ۱۰ سال کار اصلی این

سازمان "ضربه زدن به مردم ایران و خلق کرد و ترکمن" و "سیاست های ستیزه جویانه و خصمانه نسبت به دیگر نیروها و فعالان جنبش" بوده است، "بی اعتنائی به دموکراسی" و حمایت از "دستگاه روحانیت" و حکومت اسلامی آنها در اوج سرکوب و کشتار بوده است. اکنون چه؟

جناح دوم خرداد رژیم و خاتمی که قوه مجریه را در دست دارند، بعد از انتخابات مجلس ششم، قوه مقننه را هم در تسلط گرفتند، اینها اپوزیسیون نیستند. مانند جناح راست، اینها خود رژیم اند. دهسال پس از اعتراف اکثریت به رژیم بودن و مقابل مردم ایستادن، دوباره اینها را همانجا پیدا میکنیم که همیشه بودند. مشغول تلاش برای "شکوفایی" یک جناح حکومت اسلامی علیه مردم. مشغول زدن به امر آزادی مردم. مشغول خدمت به جبهه مقابل. مشغول خدمت به یک حکومت مذهبی ضد مردمی. قبلاً بهانه "ضد امپریالیسم خمینی بود و حال "اصلاح طلبی" خاتمی. دفاع از حکومت اسلامی علیه مردم، این جوهر وجودی دوم خردادی های "غیر خودی" است. جالب است که دست بر قضا نیم بیشتر اهالی این جناح دقیقاً همان دوستان آدمکش دهسال قبل تر اکثریت هستند. دو خردادی های امروز، همان ۳۰ خردادی های بیست سال قبل اند. به اکثریت باید مدال داد. اینهمه وفاداری در عالم سیاست باورکردنی نیست. از کنار ارتجاع تکانشان نمیشود داد. مرتجع اند.

از صفحه ۱  
ما دوم خردادی ها همان سوم خردادی های سابق .....

اعلام وفاداری به "حماسه سوم خرداد"، یکی دیگر از سمبلهای نظام اسلامی، اگر چه به طور کلی جزوی از همین اعلام وفاداریهای مکرر است. زمین زیر پای حکومت اسلامی داغ شده و پای دوم خردادها را به همان اندازه سوم خردادها میسوزاند. وضع آنچهان است از ترس گسترش اعتراض مردم علیه حکومت اسلامی، حتی قادر نیستند "سالگرد حماسه دوم خرداد" را برگزار کنند. دیده اند که در هر تجمعی با هر بهانه ای مقدسات رژیم اسلامی زیر پاها لگدمال میشود و تقابل مردم با هردو جناح آشکارتر میشود. خاتمی از رفسنجانی به عنوان "سرمایه ملی" نام میبرد، مردم او را در کنار پینوشه و شاه قرار میدهند. خاتمی در مقابل لاجوردی، سرجلاد زندانیان سیاسی به احترام خم میشود، مردم، تهران را با فریاد "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" میلرزاندند. تظاهرات برای دفاع از رئیس آخوند دوم خرداد

میگذارند، شعار "آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه" تحویل میگیرند. دوم خردادها همین واقعیات را میبینند و مثل جناح مقابل، هر روز بیشتر باورشان میشود که مردم دنبال فرصتی هستند تا تکلیف خود را با هر شکل و شمایل از حکومت اسلامی یکسره کنند. آنها هم حس میکنند که دیر یا زود مردم بساط دوم خردادها و سوم خردادها را یکجا برخواهند چید. آنها هم میدانند که باید هوای سپاه و رزمندگان اسلام را داشت، نیروهای طرفدار جناح دوم خرداد را پشت سر خود نگاه داشت که قرار است چه برای مقابله با مردم و چه برای پیش بردن جنگ قدرت با جناح مقابل در کنارشان قرار گیرند. اعلام اینکه ما دوم خردادها همان سوم خردادها هستیم، در حقیقت یک اعلام پیمان مجدد با رزمندگان اسلام و دسته های مسلحشان در میان نیروهای نظامی حکومت اسلامی است.

## رادیو انترناسیونال

صدای حقیقت صدای آزادی

صدای کارگر صدای انسانیت

هر شب ۹:۳۰ تا ۱۰ بوقت تهران

۷ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی

۱۹ متر برابر با ۱۵۵۵۰ کیلوهرتز

تلفن ۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

تلفن مرکز اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴ ۲۰۸ ۹۶۲ ۲۷۰۷

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org

www.kvwpiran.org

## روزنه دات گام

نشریه ای اینترنتی از

حزب کمونیست کارگری ایران

http://www.rowzane.com

سر دبیر: کورش مدرسی

آخرین اطلاعیه های حزب، مقالات جدید و ویژه روزنه، منتخب مقالات نشریات مختلف، اطلاعیه ها و مقالات اعضا و فعالین حزب، آرشیو جامع اسناد و اطلاعات در مورد حزب، معرفی ارکانها و کادرهای رهبری حزب، اتصال به سایر سایت ها و مطالب بسیار دیگر

آدرس اینترنتی روزنه را بدست دوستان و

آشنایان خود در ایران و خارج کشور برسانید.

از صفحه ۱

رژیم اسلامی را از آی ال او بیرون کنید!

نودینیان، جلال محمودزاده، مصطفی صابر، امان کفا، محمود قزوینی و سعید پرتو، مهین علیپور (مسئول کمپین دفاع از حقوق زنان از سوئد) و لادن داور (از طرف واحد آلمان فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی) سخنرانی کردند.

تظاهرات حزب با استقبال نمایندگان سازمانهای کارگری قرار گفت و از تعدادی رسانه ها منعکس شد. از جمله رادیو بین المللی انترناسیونال گزارشی از برنامه اعتراضی حزب منعکس کرد. دویچه وله مصاحبه ای با مصطفی صابر ترتیب داد. رادیو اسرائیل گزارشی از آن پخش کرد. یکی از خبرنگاران ژاپنی شرکت کننده در کنفرانس با سعید پرتو و چندین رادیوی محلی سوئد با خلیل کیوان مصاحبه کردند و خبرنگاری ای اف پی خبر تظاهرات را همان روز منعکس نمود.